ادامه از صفحه ۷

چریکی که شهردار شد

در این شرایط بود که من بار دیگر استعفا دادم و آقای رجایی که از دوستان خوب و نزدیک ما بودند، نپذیرفتند و من خدمت امام رفتم ـ و در نامه‌ای که در سوابق هست به ایشان استعفای خودم را تقدیم کردم ـ ایشان از من خواستند که بیشتر مدارا کنم. اما وقتی بیرون آمدم با راهنمایی آیت‌الله توسلی که در دفتر ایشان بودند، با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مصاحبه‌ای کردم که در روزنامه‌ها منعکس شد. روز بعد آقای مهدوی‌کنی با تشکر استعفای من را پذیرفتند. من از پذیرش استعفا خیلی خوشحال شدم زیرا در شرایطی که اختیاری نیست، نباید مسئولیتی باشد.

آیا پشیمان نیستید که شما و همفکران‌تان در سال‌های اول انقلاب به اندازه کافی استقامت نکردید؟

این سؤال خیلی خوبی است و جواب به آن نیاز به تحلیل شرایط آن دوران دارد. اگر بخواهم خلاصه اشاره کنم، مهندس بازرگان در دولت موقت دو، سه بار استعفا دادند. آن‌قدر تداخل در مسائل مدیریت داخلی کشور بود، که دیگر دولت موقت توان ادامه کار را نداشت. بعد از سفری که مهندس بازرگان به همراه دکتر چمران و دکتر یزدی به الجزیره رفتند و مذاکراتی که برای گرفتن اموال کشور با برژینسکی داشتند، وقتی برگشتند، فضای سیاسی‌ای در کشور به‌وجود آمده بود- سفارت هم اشغال شده بود ـ که حتی وزرا قادر نبودند به وزارتخانه‌شان بروند. جو چپ و آن عوامل که نمی‌خواستند مدیران توانمند در کشور باشند تا انقلاب بتواند استقرار و استمرار پیدا کند و مجموعه اینها باعث شد ادامه دولت موقت نه مفید و نه ممکن باشد. اما مهندس بازرگان و یاران ایشان صحنه را ترک نکردند. بعد هم با شورای انقلاب همکاری خود را ادامه دادند. بعد هم مهندس بازرگان، دکتر سحابی، دکتر یزدی و بقیه دوستان ما به آن رسالت تاریخی خودمان ادامه دادیم؛ یعنی پاسداری از آرمان‌های انقلاب.

بعد از آن همه یا رفتند یا کرکره‌ها را پایین کشیدند، اما نهضت آزادی ایران ایستاد. اگر این ایستادگی نبود، شما فکر می‌کنید در دوم خرداد آن اتفاق می‌افتاد بعضی‌ها فکر می‌کنند که دوم خرداد مثل چغندر یک‌دفعه سبز شده و مردم آمدند به برنامه توسعه سیاسی آقای خاتمی رأی دادند!درحالی‌که دولت آقای ناطق‌نوری تقریبا نهایی شده بود و وزیرانشان را هم انتخاب کرده بودند. بعضی‌ها توجه نمی‌کنند که در دیدگاه ما ـ مهندس بازرگان و دوستان نهضت آزادی ایران ـ قدرت را یک هدف ندیدند. قدرت را همیشه وسیله دیدند؛ اگر بود خدمت بکنند، اگر نبود رسالت اصلی ما، آگاهی‌بخشی است و بالابردن آگاهی جامعه، تا جامعه در مقطع لازم کار لازم را بکند. تصور من این است که تحولاتی که در چهار دهه بعد از انقلاب داشته‌ایم؛ [این‌گونه بوده که] آن کسانی که در دهه ۶۰ آن‌طرف بودند به‌تدریج در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ آمده‌اند این‌طرف و به‌تدریج از این گفتمان حمایت و دفاع می‌کنند، حالا با یک مقداری مسائل و مشکلاتی که هست. ما دنبال قدرت نبودیم. دنبال تحقق این گفتمان بوده و وقتی این گفتمان در جامعه تداوم پیدا می‌کند، نسبت به آینده امیدوار هستیم. حالا به‌لحاظ سازمانی برای ما محدودیت ایجاد کردند، اما مدارا کردیم برای اینکه نمی‌خواستیم هیچ‌گاه کار تند یا رادیکال انجام دهیم. بنابراین کاری که انجام شده در راستای آن اهداف راهبردی قابل ارزیابی است.

آقای توسلی اگر باز هم در ایران متولد شوید، این رویه سیاسی را ادامه می‌دهید؟

من هرگز پشیمان نیستم. زیرا همواره به وظیفه دینی و ملی‌ام عمل کرده‌ام. چون به وظیفه‌ام عمل کرده‌ام، همیشه به خدا توکل داشته و شکرگزار هستم.

واقعا دوباره این مسیر را ادامه می‌دهید؟

اگر دوباره متولد شوم کوشش می‌کنم با اطلاعات آن روز بهترین عمل صالح را انتخاب کنم. عمل آن روز من با عمل سال بعد من قاعدتا یکی نیست. ما در هر شرایطی باید با مجموعه اطلاعات و آگاهی‌ای که داریم کوشش کنیم عمل صالح و راهبردی داشته باشیم.من به جنبش اجتماعی ایران امیدوار هستم. به این خاطر که فرایند را در چهار دهه رو به‌جلو می‌بینم. البته جنبش‌های اجتماعی افت‌وخیز دارند، اما منحنی متوسطش مهم است که به کدام سمت میل می‌کند.

تک خبر

اَپل: اَپ‌های ایران را حذف می‌کنیم

● **ایسنا:** شرکت اپل اعلام کرده است که در راستای انجام قوانین مربوط به تحریم‌های ایران، اَپ‌استور این شرکت نمی‌تواند برنامه‌های ایران را در خود جای دهد.به گزارش نیویورک تایمز، شرکت اَپل در پیغامی به برخی شرکت‌های برنامه‌نویس ایران اعلام کرد: در راستای قوانین تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اَپ‌استور اَپل نمی‌تواند برنامه‌های ایران مربوط به گوشی‌های آیفون را در خود جای دهد یا اقدام به توزیع آنها کند.جهرمی، وزیر ارتباطات، در واکنش به این خبر گفت هم‌اکنون ۱۱ درصد از سهم گوشی‌های بازار مربوط به اپل است. احترام به حقوق مصرف‌کننده یک اصل است که اپل رعایت نکرده و حذف اَپ‌ها را پیگیری حقوقی می‌کنیم.

politics@sharghdaily.ir

گفت‌وگو با غلامرضا حیدری درباره عهدشکنان فهرست امید

اشکال اصلی در بستن «فهرست امید» بود

شرق، آمنه شیرافکن: غلامرضا حیدری، عضو فراکسیون امید است. سابقه حضور در مجلس‌های دوم و سوم را در کارنامه دارد و به عنوان یک نماینده پیش‌کسوت منتقد رفتارهای اخیر برخی نمایندگان فراکسیون امید و عهدشکنی‌های آنان است. تأکید دارد که ایراد کار در بستن فهرست امید بوده و اگر به جای ۳۰ نماینده، ۲۵ نماینده در فهرست می‌آمد و صددرصد پایبند به اصول اصلاح‌طلبی بود، وضع فهرست امید این روزها این‌طور نبود. بااین‌حال از برخی مصلحت‌اندیشی‌ها و شرایط‌سنجی‌ها در آن زمان می‌گوید و اینکه لیست امید بنا بود طیفی از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان میانه را در خود بگنجاند. گفته‌های حیدری به کنار، این روزها گله‌ها بیش از اندازه به برخی نمایندگانی است که با بلیت «امید» به مجلس آمدند و فردا روز زیر چتر فراکسیونی دیگر رفتند؛ نمونه‌اش هم بهروز نعمتی و کاظم جلالی. دو نماینده‌ای که حالا کمترین ارتباط را با فراکسیون‌امیدی‌ها دارند. از اینها گذشته چرخش معنادار برخی اهالی فراکسیون امید به سمت فراکسیون مستقلین نیز مسئله دیگری است که لیست امید حالا باید به آن بیندیشد.

عکس: احسان قلمچی، شرق

مسائلی که این روزها در فرایند رأی اعتماد به وزرا رخ داد، دوباره چرایی حضور نام برخی افراد در فراکسیون امید را به ذهن می‌آورد، اعتماد عمومی به فراکسیون امید دستخوش آسیب شده و برخی از اعضای آن در رسیدن به این وضعیت بی‌تقصیر نبوده‌اند. تحلیل شما چیست؟

اشکال اصلی در بستن لیست امید بوده و بس.

یعنی همان لیست اولیه؟

لیست امید بنا بود به عنوان هویت اصلاح‌طلبی و بعدا اعتدالی باشد. ولی عملا با توجه به تأیید صلاحیت‌ها خیلی از اینها انگار آمدند در لیست امید قرار گرفتند تا رأی بیاورند. اما در عمل بعضا با اهداف کسانی که مردم به اعتبار آنها به لیست رأی دادند مغایر بودند نسبت به این قضیه خلاف کردند. در مجلس هم دوستان اعتدال شروع کردند به بازی نقش‌های مختلف.

در مورد عدم رأی اعتماد به آقای بیطرف نظرتان چیست؟

مسئله آقای بیطرف را بیشتر از اینکه سیاسی بدانم، بحث آب را در آن مؤثر می‌بینم. برای همین یک‌سری از نمایندگان استان‌هایی مثل خوزستان، کهگیلویه‌وبویراحمد مسئله داشتند. حتی نمایندگان استان‌های هم‌جوار بحر خزر آمدند از همان ابتدا گفتند که باید ببینیم ایشان در مورد انتقال آب خزر به سمنان چقدر صحت دارد که البته ظاهرا آنها مسئله‌شان حل شده بود و اینکه در عمل چه کردند را نمی‌دانم. نمایندگان خوزستان هم به برخی سدها مثل گتوند انتقاد داشتند و هم نسبت به انتقال آب سرشاخه‌های کارون به استان‌های دیگر انتقاد داشتند. برخی نمایندگان حتی پیش من آمدند که ما کارت سایر وزرا را به تو می‌دهیم و تو فقط کارت وزیر نیرو را به ما بده که البته من چنین کاری نکردم.

آیا در فراکسیون امید ابزار تنبیهی برای مواجهه با نمایندگانی که عهدشکنی کرده‌اند، وجود دارد؟

هیئت داوری وجود دارد اما اینکه بتواند فایده داشته باشد، بعید است.

نقد شما به این روندها و رویه‌ها چیست؟

انتقاد وارد است و معمولا این‌جور افراد اگر جامعه شفاف‌بودن و صادق‌بودن برایش اصل باشد، رفته‌رفته چهره واقعی‌شان مشخص می‌شود، در این مسیر شبکه‌های مجازی قطعا تأثیرگذار خواهند بود.

فرم‌هایی به امیدی‌ها داده شده بود تا اعلام کنند عضو همین فراکسیون‌اند و در جلسه فراکسیون دیگری حاضر نمی‌شوند، نتیجه چه شد؟

نتیجه نهایی را نمی‌دانم؛ ولی برخی متأسفانه انگار در مسائل خاص شاخ می‌شکستند و بقیه هم فقط نگاه می‌کردند؛ خود طرف هم متوجه می‌شد. اما خب هرکسی باید بر اساس فرهنگ خودش و تربیت سیاسی خودش عمل کند.

فکر می‌کنید جای بهروز نعمتی و کاظم جلالی، فراکسیون امید مجلس بود؟

فراکسیون امید تنها چیزی که می‌تواند بگوید، این است که در بستن لیست اشتباه استراتژیک شد. برای دور بعد باید در استراتژی سال ۹۴ تجدیدنظر شود.

پیشنهاد شما چیست؟

کمیت برایشان به گونه‌ای نشود که اصل صحت پایبندی به گفتمان اصلاحات زیر سؤال برود. این به نظرم عملیاتی می‌آید. به هر حال در شفاف‌کردن مسائل بدون اینکه تعرض و جسارتی به کسی شود، رفتار نمایندگان باید خیلی شفاف به اطلاع عموم رسانده شود.

اگر شما جای شورای سیاست‌گذاری اصلاحات بودید و برای نمونه فقط ۲۵ نفر چهره سیاسی مورد نظر شناسایی می‌شد نه ۳۰ نفر، چه می‌کردید؟

۲۵ نفر را معرفی می‌کردم. الان این را درست می‌دانم، البته باید طبق اقتضائات دید. خب تعامل و همکاری با دیگر گروه‌ها باید مدنظر باشد. به هر شکل بر حسب موضوع و با توجه به شرایط و مقتضیات، ائتلاف می‌تواند انجام شود.

نظرتان در مورد مدیریت آقای عارف بر فراکسیون چیست؟

این نسبی است. آقای عارف انسانی است که وقت می‌گذارد و بیشترین تلاش خود را می‌کند. شاید بزرگ‌ترین انتقادی که به ایشان وارد شود در این زمینه باشد که می‌خواهد کاملا صادق و خوش‌بین باشد. ولی واقعیت آدم‌ها متأسفانه چیز دیگری است.

اعضای خالص فراکسیون چند نفر هستند؟

عدد دقیق را نمی‌دانم. این موضوع اقتضائی تغییر کرده است. این سبکی که فراکسیون تصمیم گرفته دوباره فرم پر شود، ان‌شاءالله دوباره تغییر نکند. چون رفتار برخی خیلی فرازونشیب دارد.

تعدادی هم هستند که مدام از این سوی سیاست به آن سو تغییر موضع می‌دهند، نظر شما چیست؟

خب اینکه گفتند دوباره فرم بدهید و در همین فراکسیون باشید و اگر در این فراکسیون بودید به فراکسیون دیگری نروید، اگر فراکسیون دیگری هستید اینجا نباید بیایید؛ حرف درستی است، اما وقتی برخی خلاف واقع می‌نویسند، کار دیگری نمی‌شود کرد؛ بلکه به مرور زمان باید حل شود.

سختنان با نمایندگانی که در خلال رأی اعتماد عهدشکنی کردند، چیست؟

رفتار برخی برای من خیلی غیرقابل‌انتظار بود. اما از رفتار برخی واقعا شوکه شدم، برای نمونه برخی نمایندگانی که عضو حزب اعتماد ملی بودند و خیلی ناراحت شدم و با خودم گفتم بنده خدا شیخ! چه کسانی عضو اعتماد ملی بودند. بیشتر از این چه می‌شود گفت. البته خودم هم تذکر دادم که ای کاش نمی‌گفتم.

توضیحشان چه بود؟

سعی کردم بحث ادامه پیدا نکند. شاید هم به سن و سال بیشتر من احترام گذاشتند که با من تند نشدند.

شما از پیش‌کسوتان در فراکسیون امید هستید، توصیه‌ای برای هم‌فراکسیونی‌هایتان دارید؟

در مجلس سوم که در هیئت رئیسه بودم، هادی، پسرم {هادی حیدری، کاریکاتوریست} در مقطع راهنمایی بود و خط زیبایی داشت که یک روز دیدم نوشته اگر «این میز ماندنی بود به تو نمی‌رسید». این پند بزرگی است که آدم نباید صداقت و شفافیت را فدای چندروزی پشت میز نشستن کند. در واقع اینکه می‌گویند شخصیت، همین‌ها هست که در درازمدت شخصیت آدم را نمایان می‌کند و قضاوت افراد را درباره آدم تبیین می‌کند.

در روزهای رأی اعتماد رفتاری دیدید که آزرده‌تان کرده باشد؟

حالا که گذشت؛ ولی واقعیت این است که از آقای روحانی دلخور شدم که به اسم جوان و منت‌گذاشتن بر سر جوانان، فردی که حرف و حدیث و حاشیه پشت سرش بود و خودش هم به نوعی تأیید کرد، از طرفی رشته‌اش هم همخوانی با حوزه کاری‌اش نداشت، به عنوان وزیر معرفی کرد. این پیام خوبی برای جوانان ندارد؛ این پیام را دارد که جوانان اگر می‌خواهید سریع ارتقا پیدا کنید، حتما باید رویکرد خاصی داشته باشید. اما به هر شکل ما متعهد به حفظ آبروی نظام و رئیس‌جمهوری منتخب هستیم؛ برای انتخاب آقای روحانی تلاش کردیم؛ سخنرانی رفتیم، کار کردیم، هزینه دادیم و هزینه‌های بعدی خواهیم داشت. این مطلبی هم که می‌گویم در راستای منافع ملی می‌گویم. امیدوارم لااقل به این مطلب که گفته شد در هر وزارتخانه یک معاونت اصلی، زن باشد، عمل شود.

حتما باخبر شدید که بر اساس پروتکل هیئت دولت خانم لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری، چادرپوش شدند، این حرکت را درست می‌دانید؟

من هم مثل شما در رسانه‌ها خواندم. باید از خود ایشان که حقوق‌دان هم هستند، بپرسید که چنین پروتکلی وجود دارد یا خیر.

نامه حضرتی به رئیس قوه قضائیه برای رسیدگی به پرونده احسان مازندرانی

ایسنا: نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه خواستار رسیدگی قانونی به پرونده احسان مازندرانی با توجه به وضعیت جسمی او شد. در نامه الیاس حضرتی به آیت‌الله آملی‌لاریجانی آمده است: «هنگامی که از دور به مسئولیت وکالت مردم نگاه می‌شود کاری جذاب و خوشایند می‌آید و البته که اگر بتوان اقدام خیری به نفع مردم و جامعه انجام داد، چنین است و رضایت خاطر ایجاد می‌کند ولی مشکل از هنگامی آغاز می‌شود که دستی به تمنای کمک و یاری و احقاق حقی به سوی نماینده دراز شود ولی قدرتی یا امکانی برای اجابت نزد نماینده مردم نمانده باشد. از این نوع خواسته‌ها کم نیست. چه مرجعی بهتر و صلاحیت‌دارتر از دستگاه قضائی برای رسیدگی به این امور که مطابق قانون اساسی باید مرجع تظلمات باشد؟ تحمل این نوع درخواست‌های مردم برای یک نماینده که کار چندانی نمی‌تواند انجام دهد، از سایر موارد سخت‌تر است.

حتما مستحضرید که آقای احسان مازندرانی، مدیرمسئول اسبق روزنامه فرهیختگان و از همکاران مطبوعاتی مدت‌ها پیش محکوم و مشغول تحمل حبس بود که مدتی پیش آزاد شد و پس از چند روز دوباره با این عنوان که اشتباه صورت گرفته به زندان برگردانده شد. اکنون نیز حدود یک ماه به پایان دوره حبس او نمانده است، ولی همسر محترم‌شان نامه‌ای را درباره وضع ناخوشایند جسمی وی نوشته است که جدا مورد تأثر است. مسئله محکوم‌کردن افراد از هر صنف و حرفه‌ای یک بحث است که قصد ورود به آن را ندارم، ولی تحمیل مجازات و حبس هر محکومی باید به‌گونه‌ای باشد که رأفت و ملاطفت اسلامی هم همراه داشته باشد.

علیهذا با توجه به حسن‌نیتی که درخصوص حضرت‌عالی مشاهده می‌شود، خواهشمند است ضمن مطالعه کامل پیوست که از طرف همسر آقای مازندرانی نوشته شده است، دستور فرمایید که رسیدگی قانونی صورت گیرد».

ادامه از صفحه ۱۷

مخالفت قاطع با ساخت سد زباله‌ای هراز

وضعیت زباله‌ها در استان مازندران نه‌فقط در این مورد که به صورت کلی مشکل بزرگی است، در این زمینه آیا اقدام خاصی صورت گفته است؟

حقیقتا نباید اهتمام و تلاش‌های چهار سال گذشته دولت در این زمینه را در مازندران نادیده بگیریم. اگر مشابه همین تلاش‌ها در سال‌های گذشته در این استان رخ می‌داد، قطعا مسئله زباله الان در آستانه حل‌شدن بود. این چهار سال هم دولت کارهای خوبی کرد و تصمیمات خوبی گرفت هم افکار عمومی حساس شدند و ای کاش این مدل اقدامات از سال‌های خیلی پیش‌تر انجام می‌شد. مجوزهای زیادی صادر شده و همراه شهرداران هستیم و برای حل مشکل زباله‌های استان پیگیر حل مشکلات زباله در استان هستیم. اگر همین فرایند خوب پیش برود من امیدوار هستم تا یکی، دو سال آینده بخش زیادی از مشکل زباله مازندران حل شود. متأسفانه برخی دوستان و مسئولان فکر می‌کنند محیط‌زیست مخالف توسعه است، ما مخالف توسعه نیستیم؛ اصلا این‌طور نیست، ما می‌گوییم توسعه پایدار باید رخ بدهد. کار و تصمیمی گرفته نشود که فردا پشیمان شویم. مثلا یک کارخانه آلاینده که تعطیل می‌شود می‌گوید من را تعطیل کردی؛ ما ۳۰۰ نفر پرسنل داریم. می‌گوییم باشد؛ درست ولی شما که ۳۰۰ نفر را نان می‌دهید، در عوض سه‌هزار نفر را می‌خواهید بکشید با آلودگی‌ای که تولید می‌کنید. در این شرایط عقل چه حکم می‌کند؟ کدام عقل سالمی می‌پذیرد که زندگی و سلامت سه‌هزار نفر قربانی کار ۳۰۰ نفر شود؟ ما با نان‌درآوردن آن ۳۰۰ نفر که مشکلی نداریم، دستشان را هم می‌بوسیم، اما این نافی آن نباید باشد. درست است که الان مسئله اشتغال در صدر اولویت‌های کشور است و ما هم همه فرایندها را بر تسهیل همین اساس گذاشته‌ایم اما این دلیل نمی‌شود که کسانی بیایند و به بهانه مشکل اشتغال با هر آلودگی‌ای شغل تولید کنند و محیط‌زیست ما را نابود کنند که تاوان آن را مردم و آیندگان ما بدهند. آب و خاک را تخریب کنند. برخی هم یاد گرفته‌اند و سال تولید و اشتغال را بهانه می‌کنند که از اصول و قوانین محیط‌زیستی شانه خالی کنند. ما که با توسعه مخالف نیستیم، ما می‌گوییم توسعه نباید به هر قیمتی انجام شود، اشتغالی که به قیمت ویرانی محیط‌زیست و به‌خطرانداختن جان و سلامت مردم ایجاد شود، به چه دردی می‌خورد.